



الهام رضائی



اجتماعی

زندگی زن پس از زنده به گوری

اشاره:

صفحات تاریخ را که ورق می‌زنی در گذر از فراز و نشیب‌های آن، گاه سپاهی عصری، تو را به تحیر و تأسف وامی‌دارد و گاه پرتو درخشش و سپیدی دوره‌ای تو را به تحسین و تأمل. شکی نیست که همین سپیدی‌ها تاریخ را می‌سازند آن چنان که راه‌گریزی باقی نمی‌ماند. اما آنچه مهم است قضاوت بشر و درسی است که او از این تاریخ ملون می‌آموزد... آن چه در پیش‌روست و وضعیت و جایگاه زن در دوره قبل و بعد از قرن ۷ میلادی و هم‌زمان با ظهور پیامبر اسلام ﷺ، است. وضعیت و جایگاهی که با آگاهی یافتن اقوام و ملل از اسلام و ارج یافتن زن به واسطه تعالیم الهی در سرتاسر عالم، در قرن‌های بعد، شکلی دیگر به خود گرفت.

گویی همین دیروز بود که صدای محزون و ضجه‌هایشان را از اسفل السافلین، از زیر خروارها خاک و از بین باران رگبار تازبان‌های تحقیر و بی‌عدالتی می‌شنیدی، همانانی که در عین معصومیت و فقط به جرم زن بودن، محکوم به مرگ بودند و از حق حیات و هستی ساقط. آری، جایگاه زن دیروز و همان شخصیت همیشگی در بازی مکرر زنده به گور شدن، در کنیزی، آلت لهو و لعب شدن، خلعتی امیران و رؤسا بودن خلاصه می‌شد اما کم‌کم با درخشش طلیعه تابناک اسلام، آینده دیگری برای آن موجود نحیف که نحس خوانده می‌شد، رقم خورد. برای تفهیم این ادعا مقایسه‌ای کرده‌ایم میان این دو عصر سیاه و سفید که در ابتدا به موقعیت زنان در قبل از اسلام و در برخی ملل و جوامع مختلف می‌پردازیم تا به دوران طلایی اسلام برسیم و جایگاه رفیع زن در این دوران.

هند:

دوک که بر سردر خانه آویخته می‌شد نشان از سوگواری صاحبخانه داشت و عزاداری آنها، البته نه از بهر مرگ یا فقدان عزیزی بلکه به دلیل تولد نوزادی دختر که اسباب شکست تلقی می‌شد. آن هنگام که زنی دختر می‌آورد، بلافاصله کودک تازه متولد شده را در کهنه‌ای پیچیده و علامتی از قبیل دوک بالای خانه می‌آویختند و

از این طریق عزای رسمی اعلام می‌کردند. این موجود به ظاهر زنده در سرزمین هند قبل از ازدواج در هر شرایطی تسلیم اوامر پدر بود و بعد از ازدواج تابع بی‌چون و چرای همسر. در زمان بیوه شدن نیز رجال سیاسی و نظامی کشور، مالکان وی به شمار می‌آمدند.

مصر:

آنگاه که آب رود نیل کم می‌شد یا از تلاطم و جنب و جوش می‌افتاد، همه‌همه‌های مابین بزرگان و ریش سفیدان قبایل به پا می‌شد که سرانجام دختر جوانی را به قرعه انتخاب کرده، صورت او را به طرزی عجیب اما مرسوم آرایش می‌دادند و میان رود نیل مواج‌ها می‌ساختند تا به واسطه این هدیه باز آب رود نیل، رو به افزایش و فزونی رود و مزارع و چمن‌ها را سیراب نماید.

یونان:

«درازسوی کوتاه فکر»، «زاده شیطان»، «همگون حیوان» و هزار و یک عنوان و لقب دیگر از عناوینی بود که زنان و دختران یونانی را با آنها خطاب می‌کردند. آری، در جامعه یونان زن، مظهر پلیدی، حيله‌گری، وسیله صید دل و انحراف عقل و مغز به شمار می‌آمد. در این جامعه، زن در هر سنی تحت تکفل بوده و برای او قیم اختیار می‌کردند. در حقیقت زن در جامعه یونان از هر گونه حق حقوقی و حقیقی ساقط بوده و موجودی قابل انتقال محسوب می‌شد.

چین:

پای دختران، میزبان قالب‌هایی از فلز می‌شد تا با به وجود آمدن نقص عضوی در بدنشان، اندیشه خروج از منزل در بزرگسالی آنان به اندیشه‌های نامحقق و رؤیایی ناشدنی مبدل گردد. در چین، ازدواج همچون خرید یک کالا تلقی می‌شد از این رو مرد می‌توانست در هر شرایط و زمانی زن را طرد و ترک کند.

ایران:

و تاریخ ایران باستان نشان می‌دهد که مهم‌ترین هدایای رسمی و تحفه‌های امیران و شاهان به هم، از جنس زنان انتخاب می‌شد.

مهم‌ترین و کاری‌ترین ضربه و توهین به مقام زن در عصر ساسانی رایج شد که همانا ازدواج با محارم بود. این عمل قبیحانه توسط برخی امرا همچون کمبوجیه، اردشیر دوم و قباد اول، تاریخ سیاهی را در شجره این سرزمین ثبت نمود به گونه‌ای که نمی‌توان این حقایق تلخ را از دیده مورخین دور نگاه داشت.

جزیره العرب:

نعمان بن منذر به قبیله قیس هجوم برد و زن‌های قبیله و دختران قیس را اسیر نمود. در جریان اسارت عده‌ای از دختران شوهر کرده‌راهی خانه بخت شدند. قیس نزد نعمان بن منذر رفته لب به اعتراض گشود. نعمان دستور داد هر زنی که بخواهد با قیس به محل خود بازگردد بلامانع است، در این میان چند تن از دختران قیس، شوهر را بر پدر ترجیح داده‌از همسرانشان جدا نشدند. این مسأله برای قیس گران تمام شد به گونه‌ای که پس از بازگشت تمام دختران خود را کشت و از آن روز به بعد دخترکشی میان اعراب مرسوم شد. طبق شواهد زنده تاریخی در بیسن اعراب، زنان تحت هیچ عنوانی دارای استقلال نبوده و مالک شناخته نمی‌شدند. آنان از

پدر و مادر ارث نمی‌بردند و با آن که در ساختن بتها در عربستان از چهره و قیافه زن الهام می‌گرفتند (مخصوصاً سه بت بزرگ لات، منات، عزی) اما به زن هیچ حق و حقوقی تعلق نمی‌گرفت و با او معامله‌ای به مراتب بدتر از چهارپایان می‌کردند.

اعتقادات برخی امم و ملل جهان پیرامون زن آئین یهود طبق متون عبری:

زن مورد لعن ابدی خداست، زیرا گناه از زن آغاز می‌شود و به وسیله زن است که می‌میریم. به عبارت دیگر شخصیت زن با شخصیت عزرائیل یکی می‌باشد.

قانون هندو:

روح گنه‌کاران به صورت زنان متولد می‌شود. اقوام وحشی آفریقا:

زنان مانند اثاث خانه بایستی مورد قرض قرار گیرند به گونه‌ای که پس از کامیابی دیگر مردان، به صاحب اصلی‌اشان برگردانده شوند.

برخی کیشیان اروپا:

زن اسباب سقوط، گناه، طغیان و نابودی مرد می‌باشد.

جمعیت اسکیموها:

زن باید چون کالاهای تجارتي رسماً مورد خرید و فروش قرارگیرد و در امور مردان هیچگونه دخالتی نداشته باشد.

آشوریان جنگجو:

زن غیر از بچه‌دار شدن و ارضای امیال مردان به کار دیگری نمی‌آید پس اگر خلافی از او سرزند، کشتن او مباح است.

مکدانیان:

دختران زیبا را بایستی فروخت و از پول ایشان برای دختران کریه المنظر تجهیزیه فراهم کرد.

معتقدان ملت چینی:

خداوند خالق پسران است و شیطان خالق دختران، از این رو باید پسران را موجودی با برکت دانست و دختران را طوق لعنت تلقی کرد. اما برخی حکما و اندیشمندان بزرگ نیز دارای چنین دیدگاه‌هایی نسبت به زن بوده‌اند، به طور مثال از سقراط پرسیدند کدام یک از درندگان زیباترند، پاسخ داد: زنان.

برخی پدران مسیحی در دوران کلیسا نیز اعتقادات خاصی را پیرامون زنان مطرح می‌کردند، از نظر آنان حوا در آغاز مرتکب گناه شد و سبب سقوط آدم را فراهم کرد، خداوند پسرش عیسی را بر زمین فرستاد تا با خون خود گناهان بشر را که زن مسئول آن بود بشوید. پولس، اولین پیشوای مسیحیت نیز معتقد بود که اول آدم به وجود آمد سپس حوا. همچنین آدم فریب نداد بلکه فریب خورد و این ستمی بود که از ناحیه جنس زن ناشی شد.

آنگاه که آب رود نیل

کم می‌شد یا از تلاطم و جنب و جوش می‌افتاد، همه‌همه‌ای ما بین بزرگان و ریش سفیدان قبایل به پا می‌شد که سرانجام دختر جوانی را به قرعه انتخاب کرده، صورت او را به طرزی عجیب اما مرسوم آرایش می‌دادند و میان رود نیل مواج‌ها می‌ساختند تا به واسطه این هدیه باز آب رود نیل، رو به افزایش و فزونی رود و مزارع و چمن‌ها را سیراب نماید.



مهم‌ترین و

کاری‌ترین ضربه و توهین به مقام زن در عصر ساسانی رایج شد که همانا ازدواج با محارم بود. این عمل قبیحانه توسط برخی امرا همچون کمبوجیه، اردشیر دوم و قباد اول، تاریخ سیاهی را در شجره این سرزمین ثبت نمود.

و نظامی فاسد دستخوش تغییر گردید (دوران حکومت فاسد طاغوت) اما این حکومت چند ساله که بیشتر به کابوس می ماند دیری نپائید و باز نظامی مبتنی بر دین مبین اسلام به رهبری پیری فرزانه، مردم این سرزمین را از بند جهالت و فساد و تباهی به سوی روشنایی، آنجا که خورشید حقایق اسلام طلوع می کند، سوق داد.

زن در نظام جمهوری اسلامی

از دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، اسلام برای زن حقوقی همچون مردان قائل شده، به گونه ای که به هر دوی آنها حق تصمیم گرفتن در خصوص سرنوازششان و برخورداری از تمام آزادی ها را اعطا کرده است. حق انتخاب کردن (در رأی دادن)، انتخاب شدن، آموزش، کار و حق اعمال تمام وظایف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... همه و همه حقوقی هستند که باید به زنان اهدا شوند. بر این اساس زن و مرد آزادند که تحصیل کنند، شاغل شوند و تا آنجا که ممکن است به رشد و بالندگی دست یابند. در حقیقت مکتب انسان ساز اسلام به زن اجازه فعالیت اجتماعی می دهد. طبق فتاوی مراجع عظام اگر نیروی اقتصادی زن قوت گرفت و خود را مستطیع دانست، حتی بی اذن همسر باید به حج برود و مناسک واجب خود را به جا آورد یا به محض آنکه احساس جهالت نمود با علم ورزی، کالبد وجود خویش را به شعاع نورانی دانش مزین نماید.

حضرت امام با همان درایت و صراحت همیشگی، پیش بینی نمود که روزی قوانین اسلام با همه محسنات آن مورد توجه مغرب زمین واقع شود و شرقی ها به تبعیت از آن بار دیگر به جانب اسلام روی آورند.

بورس ورث اسمیت، یکی از مورخین نامی در کتاب «محمد و مسلمانی» می گویند: من با کمال جرئت ایمان دارم که روزی عالی ترین فلسفه های انسانی و صادق ترین اصول مسیحیت تصدیق خواهند کرد و ایمان خواهند آورد که محمد ﷺ پیامبر خاتم بوده و از جانب حق برگزیده شده بود.

کارل، رهبر سوسیالیست های جهان نیز در کتاب خود به نام «زندگی» آورده است: محمد ﷺ از میان مردمی بت پرست با اراده آهنین برخاست و آنان را به یگانه پرستی دعوت نمود، بنابراین این او نه تنها باید در ردیف مردان بزرگ و برجسته تاریخ محسوب شود، بلکه سزاوار است تا به پیامبری او اعتراف کنیم و از دل و جان بگوئیم که او پیامبر خدا بوده است.

و این حقیقتی است که حضرت محمد ﷺ آمد تا زن دوباره زنده شود. تا تاریخ دوباره تکرار گردد و آدها و حوهای دیگر بی هیچ فریبی کنار هم زندگی کنند و تاریخ را دوباره و دوباره تکرار.

برگرفته از کتب بارونوشت:

۱. الگوی زن اصیل و آزاد، حشمت الواعظین طباطبائی
۲. حیات مردان نامی، پلوتارک
۳. حقوق زن، حسن صدر
۴. کلیات تاریخ، رجبیا
۵. نظام حقوقی زن در اسلام، شهید مطهری
۶. مقام دختران در اسلام، احمد دهقان
۷. جامعه شناسی تاریخی زن، محمد علی عابدی

طلوع خورشید اسلام

با طلوع خورشید تابناک اسلام و در سایه رهنمودهای پیامبر عظیم الشان حضرت محمد ﷺ رفته رفته زن از هر گونه هتک و گزندگی در امان ماند. در عصر خرافه پرستی و تفکر جاهلیت، نبی اکرم ﷺ به تشریح آئین اسلام پرداخت و با مبارزهای سرسختانه، افکار جاهلی را نهی نمود. در این بین دین اسلام افق روشنی را مقابل دیدگان بشر ترسیم ساخت. آنجا که به صراحت در سوره نسا آیه ۱ آمده است: بت رسید از پروردگار خود، خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن، خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برآورد.

در خصوص مسأله خلقت و آفرینش بشر نیز پیامون آدم و حوا و ظن و گمان هایی که در این مورد وجود داشت، در قرآن در سوره بقره آیه ۳۵ آمده است:

«ای آدم، تو با جفت خود در بهشت جای گزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید بی هیچ زحمتی برخوردار شوید.»

در این سوره قرآن هیچگونه تفاوتی در حقیقت انسانی زن و مرد قائل نیست و هیچکدام را بر دیگری ترجیح نمی دهد. نمونه عینی دیگر آن آیه ۴۰ از سوره غافر می باشد: «کسی که مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد چه مرد باشد و چه زن، داخل بهشت خواهد شد.» همچنین در قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد شده است، از همسران آدم (ع) و ابراهیم (ع) و مادران موسی (ع) و عیسی (ع).

در تاریخ اسلام زنان قدیسه و بزرگ تعدادشان کم نبوده است. زنانی که گاه کمتر مردانی به پایشان رسیده اند؛ همانند حضرت خدیجه و حضرت زهرا (س)، و «ام ایمن»، «ام سلمه»، «ام حبیب»، «فضه» و «اسیه» هم دیگر زنان سرآمد تاریخ می باشند.

شکی نیست که پیامبر اکرم ﷺ در دوران حیات مبارک خویش تلاش وسیعی را در جهت تغییر و ارتقای جایگاه زن انجام دادند. شأن و منزلتی که پیامبر ﷺ برای زنان و دختران قائل می شد، در ادای احترام و عرض ارادتشان به فاطمه زهرا (س) کاملاً عینی و مشهود بود. رفتار و کردار نبی اکرم ﷺ بستر مناسبی را در جهت حفظ و ارتقای مقام شامخ زن، فراهم ساخت به طوری که پس از اندک زمانی، تفکر جاهلیت رنگ باخت و زن توانست در سایه اسلام از شخصیتی حقیقی و حقوقی برخوردار شود.

هر چند در دوره های از تاریخ، سیر صعودی و تکاملی شخصیت زن تحت تاثیر تبلیغات سوء



این موجود به ظاهر زنده در سرزمین هند قبل از ازدواج در هر شرایطی تسلیم اوامر پدر بود و بعد از ازدواج تابع بی چون و چرای همسر. در زمان بیوه شدن نیز رجال سیاسی و نظامی کشور، مالکان وی به شمار می آمدند.

رفتار و کردار نبی اکرم ﷺ بستر مناسبی را در جهت حفظ و ارتقای مقام شامخ زن، فراهم ساخت به طوری که پس از اندک زمانی، تفکر جاهلیت رنگ باخت و زن توانست در سایه اسلام از شخصیتی حقیقی و حقوقی برخوردار شود.